

پیرامون مقوله میهن دوستی و ملی گرایی

روشن است که کمونیست ها برخوردی تاریخی و دیالکتیکی به مسئله ناسیونالیسم دارند و هرگز بصورت قالبی و کلیشه ای بدان نمی نگرند .
لنین در آثار درخشان خود حتی از ناسیونالیسم ملت ستمکش در قبال تجاوز و ستمگری حمایت کرده و آنرا امری مترقی ارزیابی می کند . اینکه همین ناسیونالیسم در ایجاد دولتهای ملی تا چه حد مترقی بود جای بحث اش در این جا نیست . ولی امروز ما لازم می دانیم که به این مقولات از نقطه نظر مارکسیستی برخورد کرده و آنها را تدقیق نموده و جای اجتماعی و نوع برخورد کمونیست ها به آن را بیان کنیم .

ملی گرا و یا ناسیونالیست به مفهوم امروزی کسی است که : ملت خود را از ملل دیگر برتر تصور کرده و ملت خود را در مرکز جهان قرار می دهد . ملی گرا هویت خویش را با تحقیر سایر ملل و توجیه اسارت آنها تعریف می کند . ملی گرا به نفرت میان ملل دست می زند و این ایدئولوژی را بر پرچم جنگ طلبی خود حک می کند .

دقیقا مانند دولت ناسیونال شونیسم آمریکا که بر اساس بینش نژادپرستانه ملت خود را در لواء " متمدنین و با فرهنگ ها " برتر از ملل دیگر که آنها را " غیر متمدن و وحشی " تلقی می کند، دانسته و با در مرکز قرار دادن خویش ، خود را فرمانروای عالم می داند . که هر وقت دل تنگش اراده می تواند بدون کوچکترین اهمیت به قوانین بین المللی ماشین غول پیکر مرگبار جنگی اش را به هر نقطه ای از جهان بمنظور حراست از مالکیت خصوصی و کسب سود حداکثر برای انحصارات امپریالیستی آمریکائی گسیل دارد . میلیونها تن از انسانهای پر امید را بی رحمانه قتل عام گرداند ، هستی کشوری را بورطه نابودی بکشاند تا با هجوم کرکسان غارتگر با پول مردم آن سر زمین اشغال شده جیب های سیری ناپذیر خود را پر کنند .

ملی گرا و یا ناسیونالیست به مفهوم امروزی کسی است که : ملل دیگر را دشمنان ملت خویش جلوه می دهد و با این ایدئولوژی ملی گرایی زمینه نزاع های ملی را فراهم می آورد . ملی گرایی بر تضاد طبقاتی سایه می افکند و مزورانه مرزهای طبقاتی را مخدوش می کند و تلاش دارد از زحمتکشان گوشت دم توپ بورژوازی را بسازد .

دقیقا مانند دولت ناسیونال شونیسم آمریکا که نه تنها فقط بعداز وقایع 11 ستامبر 2001 ، بلکه از دیر باز با تنوری عظمت طلبانه " نبرد فرهنگها " ی هانتیگتون یهودی تبار آمریکائی با مخدوش کردن مرزهای طبقاتی زمینه این جنگ های ملی و خانمانسوز را آغاز کرده بود که نمونه های بارز آنرا در لشکر کشی به افغانستان و عراق شاهد بودیم . شاهد بودیم که چگونه رذیلتانه با تعلیم و تربیت بخشی در طی سالیان دراز ، نفرت ملی را علیه بخش دیگر دامن زنند بطوریکه با قربانی کردن آنان در جبهه های جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی ، منافع انحصارات آمریکائی را حراست و جهان گستر گردانند .

برای ملی گراها کمونیست های انترناسیونالیست جاسوس و عامل بیگانه اند . ملی گراها مظهر و مبلغ تعصبات ملی هستند که بذر آنرا در ممالک سرمایه داری می کارند . ملی گرایی سلاحی ایدئولوژیک در دست طبقات استثمارگر است تا توسط آن بانقیاد ستمکشان دست زنند . ملی گراها تا خود در راس قدرت قرار دارند از " میهن " سخن می گویند ، پرچم ملی و سرود ملی خود را می سازند و آنرا خواست عمومی جلوه می دهند .

برای ملی گراها میهن آنها شامل اسارت زحمتکشان هم میهن آنها نیز هست . میهن پرستی آنها یعنی اینکه پرولتاریا سر براه باشد و تا می تواند بدون دستمزد و اعتصاب در " خدمت میهن " برای بورژواها کار کند . میهن پرستی بورژوازی عرصه مبارزه ایدئولوژیک این طبقه با پرولتاریاست تا بتواند نیروی توده مردم را علیه برادران هم زنجیرش در سایر کشورها بسیج کند . در واقع ملی گرایی آنها عظمت طلبانه و نژاد پرستانه است .

ولی سوء استفاده بورژوازی از واژه میهن که برای وی بمفهوم پولش و چکهای بانکی و مستغلاتش است، هرگز نباید کمونیست ها را به بی وطنی و بی تفاوتی به سرنوشت میلیونها هم وطنش بکشد. این بورژواها نیستند که امروز رسالت دفاع از وطن را بر دوش می کشند، هر کدام از آنها که فرار می کنند نخست حسابهای بانکی وطن خود را منتقل می کنند. هم اکنون این میهن پرستان بورژوا بر سر اینکه کدامشان زودتر آمریکائی شده تا از اموال مصادره شده ایران در بانکهای آمریکا تقاضای حق و حقوقی کنند با یکدیگر رقابت می کنند. میهن پرستی آنها دروغین است و ما باید این نوع میهن پرستی دروغین را افشا کنیم.

مارکس و انگلس همواره از مبارزه خلق ها برای رهائی از قید اسارت حمایت کرده اند. این مبارزه ملی و میهن پرستانه علیه استعمار و امپریالیسم که برای آزادی ملی صورت می گیرد همواره مورد تائید کمونیست ها بوده است و با ناسیونال شونیسم و ملی گرایی زمین تا آسمان متفاوت است.

در واقع احزاب حکمتی بعثت دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی که آنان را دولت های "دمکراتیک" و "حافظان حراست از شالوده جامعه مدنی" می دانند، قادر نیستند: بین ناسیونال شونیسم و ملی گرایی که بینشی بغایت ارتجاعی و ضد بشری است، با مبارزه ملی و میهن دوستانه که علیه تجاوزگری های وحشیانه امپریالیستهای آمریکایی-اسرائیلی بمنظور استقلال و آزادی ملی صورت می گیرد، تفاوت گذارند.

سخن را با نقل قولی از لنین کبیر به اتمام می رسانم به این امید که برای بی غرضان و مبارزان ضد امپریالیستی روشن گردد که از منظر آموزگاران پرولتاریا مفهوم میهن پرستی چگونه بیان میگردد در حالی که احزاب حکمتیسم این عاملین و ویروس لیبرالیستی-ترتسکیستی-رویزیونیستی و آنارکوسندیکالیستی با دست و پا زدن های مذبحخانه میکوشند تا با تحریف تنوری های مارکسیستی و قلب حقایق، میهن پرستی را "زشت" و برابر با جنایت و فاشیسم قلمداد نمایند. به واقع اینان با این پرت و پلا گویی بظاهر چپ عملاً در کنار راستترین محافل بورژوازی امپریالیستی به انجام وظیفه تاریخی مشغولند.

حال به گفتار گهربار لنین پیرامون میهن پرستی گوش فرا دهیم:

"انترناسیونالیسم پرولتری با منافع ملی مطابقت دارد، زیرا که پیکار واقعی بخاطر منافع میهنی و آزادی و استقلال جز از راه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و همکاری برادرانه با همه کشورهای سوسیالیستی و همه خلق هائی که در این طریق پیکار می کنند امکان پذیر نیست. از این جهت است که می گوئیم میهن پرستی واقعی جنبه انترناسیونالیستی دارد و انترناسیونالیسم عمیقاً میهن پرستانه است. مسئولیت ملی و بین المللی هر حزب کمونیست کارگری و کمونیستی تفکیک نا پذیر است. بزرگترین خدمت به سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری از جانب کمونیستی که در کشورهای سرمایه داری می رزمند عبارتست از تصرف قدرت حاکمه توسط طبقه کارگر و متحدین وی. " (تکیه از ادیب)

بهمن ادیب 2006/03/30